

Civilizations in World

Politics

رسول نوروزی فیروز

اشاره

بحث از جایگاه عناصر فرهنگی در تحلیل روابط بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین مباحث در مناظره‌های نسل چهارم در نظریه‌های روابط بین‌الملل است. مفاهیمی همچون دین، اخلاق، الهیات، فرهنگ، ایدئولوژی، هویت و اخیراً تمدن از جمله مهم‌ترین مفاهیمی هستند که در این مباحثات به آنها توجه شده است. در این میان نگارش کتاب برخورد تمدن‌ها توسط ساموئل هانتینگتون را می‌توان نقطه عطفی در توجه به تمدن به عنوان یکی از مفاهیم مهم در سیاست بین‌الملل تلقی کرد. از این رو بررسی و نقش این مفهوم در ساخت سیاست‌های جهانی به یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌های مرتبط با مطالعات بین‌المللی تبدیل شد. این پرسش زیرمجموعه سؤالاتی است که به نقش و جایگاه مفاهیم و فاکتورهای انگاره‌ای و غیرمادی در روابط بین‌الملل می‌پردازد. کتاب حاضر محصول کنفرانس و پنل‌های سالیانه‌ای است که در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در مؤسسه علوم سیاسی امریکا با هدف ارائه تبیینی روشن از جایگاه مفهوم تمدن در سیاست بین‌الملل برگزار شد و مقالات و مباحث ارائه شده در پاسخ و نقد نگاه هانتینگتون به نقش تمدن در جهان معاصر و نوع ارتباط میان آنها به نگارش درآمدی است. در این کتاب تلاش می‌شود تا در راستای مفهوم سازی تمدن، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا تمدن یک مفهوم حقیقی و صاحب جوهر و ذات مستقل است یا اینکه یک مفهوم انتزاعی و تزیینی محض است که در افواه و بیانات سیاستمداران به کار برده می‌شود؟ آیا تمدن‌های متعدد به صورت واحدهای یکپارچه و متمایز از هم وجود دارند یا اینکه همه تمدن‌ها در درون یک «تمدن» اصلی و مادر که الهام‌بخش و مقصد سایر تمدن‌ها باشد قابل شناسایی هستند که در این صورت همه تمدن‌ها ضمن حفظ ویژگی‌های منحصر به فرد خود و ویژگی‌های متمایز از دیگری، در درون این بستر کلان فعال خواهند بود؟ کتاب «تمدن‌ها در سیاست جهانی: رویکردهای متکثر و تکثرگرا» از هشت فصل تشکیل شده است. فصل اول که مقدمه اثر است توسط پیتر جی. کاتزنشتاین به نگارش درآمده است. فصل‌های دو تا هفتم به مطالعه موردی در باب تمدن‌ها اختصاص یافته و در پایان فصل هشتم که نتیجه‌گیری تئوریک این کتاب است به قلم پاتریک جسکون آتنظیم شده است. در بخش بررسی تمدن‌ها به شش تمدن امریکایی اروپایی، چینی، ژاپنی، هندی و اسلامی پرداخته شده است.

Peter J. Katzenstein;
Civilizations in World
Politics: Plural and Pluralist
Perspectives, Routledge
.2010

1. American Political Science Association
2. Patrick T. Jackson

جهانی از تمدن‌های متکثر و کثرت‌گرا، (پیتر جی کاتزنشتاین). در فصل اول کتاب که به عنوان مقدمه کتاب به نگارش درآمده و در حقیقت تئوری اصلی کتاب در این فصل منفتح می‌شود، پیتر جی. کاتزنشتاین بحثی نظری در باب جایگاه تمدن در سیاست بین‌الملل ارائه می‌دهد. وی در مقدمه کتاب به روشنی بر این امر اذعان دارد که تمدن‌ها - برخلاف آنچه هانتینگتون تصویر کرده - موجودیت‌هایی یکپارچه^۳ نیستند، بلکه متکثر هستند، اما در درون یک گفتمان فعال هستند و وجود دارند که آن هم «تمدن مدرنیته» است. همچنین تمدن‌ها تکثرگرا هستند و این‌گونه نیست که وجود آنها در درون یک تمدن مدرنیته سبب شود که تمایزات آنها از بین برود، بلکه در درون همین تمدن مدرنیته است که همکاری‌های فراتمدنی شکل می‌گیرد و رقابت‌ها و مواجهه‌ها و بعضاً و به ندرت برخوردهای درون تمدنی به وقوع می‌پیوندد. تمدن‌ها بدین جهت متکثر هستند که در درون خود دربردارنده سیاست‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌های متعددی هستند و این امر سبب می‌شود شاهد نوعی کثرت‌گرایی در درون هر تمدنی باشیم و این‌گونه نیست که تمدن‌ها یکپارچه باشند. از این رو نخستین نقد کاتزنشتاین به هانتینگتون در تفسیر و تحلیل وی از تمدن است؛ زیرا هانتینگتون بر این باور بود که در عالم واقع «تمدن» با صیغه مفرد آن وجود دارد؛ یعنی یک ساختار فرهنگی کاملاً همگرا و یکپارچه که حول محور ارزش‌های مشترک و اجماعی سازمان‌دهی شده است. از نظر کاتزنشتاین این مفهوم از تمدن، رویکرد اروپای غربی قرن هجدهم به مفهوم تمدن بود؛ زیرا تمدن برخلاف آنچه هانتینگتون تصور می‌کند در درون خود از تکثر برخوردار است و با این حال این تکثرها سبب منازعه نمی‌شود، بلکه برعکس در تمدن‌ها تعامل درونی بین اجزا و عناصر وجود دارد. با این حال وی بر این باور است که تکثر تمدنی در جهان سیاست در درون گستره گفتمان تمدنی مدرنیته وجود دارد و بیرون از تمدن مدرن تمدنی وجود ندارد؛ یعنی همه تمدن‌ها در راستای مدرن شدن در حال حرکت هستند، هر چند ویژگی‌های منحصربه‌فرد و اهداف خاص خود را تعقیب می‌کنند و این همان چیزی است که به آن «دنیای جهانی شده» گفته می‌شود. در این میان طیف‌های متعددی از تمدن‌ها قابل شناسایی است که از تمدن اروپای غربی مدرن تا تمدن‌های متنوع عصر طلایی ممکن است وجود داشته باشد.

از این رو همه نویسندگان قسمت مطالعات موردی بر این باورند که رویکرد مناسب برای بررسی مفهوم تمدن در سیاست جهانی رویکرد گفتمانی است. او بر این باور است که می‌توان تمدن را وارد حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل نمود؛ با این تفسیر که این تمدن‌ها نیستند که در روابط بین‌الملل بازیگر و کنشگر هستند، بلکه این واحدهای سیاسی نظیر دولت‌ملت‌ها هستند که بازیگرانی هستند که تحت تأثیر هویت‌های تمدنی خود قرار دارند.

فصل دوم و فصل سوم کتاب با یک ایده مشترک به بررسی نمونه‌های متفاوت می‌پردازد. در فصل دوم جیمز کورث^۴ با نگارش مقاله‌ای با عنوان: ایالات متحده آمریکا به عنوان رهبر تمدنی^۵ و در فصل سوم امانوئل آدلر^۶ در مقاله‌ای با عنوان: اروپا به مثابه یک عمل جامعه تمدنی^۷ به اثبات این فرضیه می‌پردازند که ما صرفاً یک مفهوم و برداشت از تمدن نداریم، بلکه مفاهیم متعددی داریم که در کنار مفاهیم غربی، اروپایی، آمریکایی و تمدن‌های جهانی و... نیز وجود دارد که می‌تواند جایگزین برداشت‌های رایج از تمدن ارائه شود و تلاش می‌کند فراز و فرودهای مفهومی این امر را نشان دهد. از منظر این نویسندگان تمدن‌های چینی، ایرانی و هندی، دولت‌های تمدنی خاص خود را دارند. این امر - برخلاف آنچه که هانتینگتون تصور کرده - بازتاب‌دهنده وجود تکثر در تمدن است، نه یکپارچگی.

همه نویسندگان قسمت مطالعات موردی بر این باورند که رویکرد مناسب برای بررسی مفهوم تمدن در سیاست جهانی رویکرد گفتمانی است. او بر این باور است که می‌توان تمدن را وارد حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل نمود؛ با این تفسیر که این تمدن‌ها نیستند که در روابط بین‌الملل بازیگر و کنشگر هستند، بلکه این واحدهای سیاسی نظیر دولت‌ملت‌ها هستند که بازیگرانی هستند که تحت تأثیر هویت‌های تمدنی خود قرار دارند.

3. Unitary

4. James kurth

5. The united states of America as a civilizational leader

6. Emanuel Adler

7. Europe as a civilizational community of practice

به مثابه پلی بین تمدن غرب و شرق عمل خواهد کرد. او نیز به لحاظ روشی، بر شیوه مطالعه گفتمانی تمدن‌ها تأکید می‌ورزد و بر این باور است که امروزه تمدن‌ها بیش از آنکه یک مفهوم واقعی بوده و در یک قلمرو خاص وجود خارجی داشته باشند، اموری هستند که در اذهان مردم وجود دارند. از این رو در هنگام مطالعه تمدن‌ها باید بینیم که مردم چه تصویری از تمدن خود دارند. این سخن از این رو مهم است که یادآوری کند در روابط بین الملل معاصر این دولت‌های ملی هستند که بازیگران اصلی روابط بین الملل هستند.

اما در فصل آخر کتاب پاتریک جکسون^{۱۵} در مقاله‌ای با عنوان چگونه در مورد تمدن‌ها بیندیشیم^{۱۶} به این مبحث می‌پردازد که چه رویکردهایی می‌تواند در مطالعه تمدن‌ها در سیاست بین الملل به کار گرفته شود و هر رویکرد از چه قابلیت‌های تحلیلی برخوردار است؟ وی پس از ارائه گزارشی از جایگاه تحلیل تمدنی در سیاست بین الملل در امریکا به این نتیجه می‌رسد که مقوله تمدن جزء مقوله‌های مهجور در دانش امریکایی سیاست بین الملل است. اگرچه اثر ساموئل هانتینگتون سبب شد نگاه‌ها به سوی واژه تمدن معطوف شود، اما این توجه بیش از آنکه از سوی فضاهاى آکادمیک روابط بین المللی باشد، بیشتر از منظر فضای عمومی مورد توجه قرار گرفت. اگرچه تحلیل تمدنی در دانش سیاست و روابط بین الملل بسیار کم فروغ بود، اما تحلیل‌های جامعه‌شناختی این خلأ را جبران کرد. در این رویکرد نویسندگان با نگاهی متفاوت به مقوله تمدن، قرائتی متفاوت از تحلیل تمدنی ارائه داده‌اند که از قابلیت به‌کارگیری در دانش روابط بین الملل نیز برخوردار است. جکسون بر این باور است که برای مطالعه تمدن‌ها در سیاست جهانی باید از رویکرد پس‌بنیادگرا^{۱۷} و گفتمانی که مبتنی بر دانش جامعه‌شناسی است بهره برد. در این بخش مقایسه تئوریک مفصلی میان رویکرد بنیادگرای هانتینگتون در باب تمدن که در کتاب بر خورد تمدن‌ها ارائه شده است و همچنین رویکرد پس‌بنیادگرا ارائه می‌دهد و با تکیه بر این رویکرد، به نقد نظریه هانتینگتون می‌پردازد. نقطه ثقل تئوریک کتاب حاضر در فصل اول و فصل آخر و در نقد رویکرد هانتینگتون به مقوله تمدن ارائه شده است. مطالعه این کتاب برای دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای قطعاً جذابیت‌های فراوانی خواهد داشت؛ زیرا در کنار مباحث تئوریک ارائه شده، تحلیلی از مناطق مختلف جهان بر اساس مباحث تئوریک ارائه شده (تطبیق نظریه بر مورد) عرضه می‌کند.

دیوید کانگ^۸ در فصل چهارم کتاب که با عنوان تمدن و ساخت دولت در چین^۹ ارائه شده است نیز بر نگاه گفتمانی در مطالعه تمدن‌ها تأکید می‌کند. وی بر این باور است که رفتارهای چین توسط حوزه پیرامونی تمدنی آن، یعنی کره و ویتنام الگو برداری شده است که این امر در مورد ژاپن کمتر صدق می‌کند. هر یک از کشورها ضمن حفظ ارزش‌های مختص به خود، متعلق به گستره تمدنی هستند که به حوزه تمدنی چینی^{۱۰} مشهور است. او بر این باور است که تعارضات هویتی که در سایه حضور هویت‌هایی همچون هویت مغولی، ایغوری و ختایی ظهور کرده‌اند، به مثابه «دیگربود»های هویت تمدنی چینی هستند؛ زیرا اینها هویت‌هایی هستند که ارزش‌های هویت چینی را انکار و طرد می‌کنند. از این رو تمدن در چین موجب شده است که شکل دولت در چین برآمده از هویت چینی باشد تا بتواند ضمن حفظ مرز میان خود و دیگربودهای خود، بقای خود را تضمین نماید.

نویسندگان فصل پنجم و ششم نیز با استفاده از رویکرد گفتمانی به تحلیل تمدن هندی و تمدن ژاپنی پرداختند. دیوید لهنی^{۱۱} در مقاله‌ای با عنوان ژاپن در اندیشه نقش‌های منطقه‌ای و جهانی خود^{۱۲} در مورد تمدن ژاپنی می‌گوید: ژاپن امروز نمونه‌ای است از عدم قرارگرفتن در قالب‌های تحلیلی تمدنی مرسوم که غالباً با پیش‌فرض‌هایی آغاز می‌شود و با تأییداتی که با ویژگی‌های منحصر به فرد ژاپن و ظرفیت‌های نامحدود آن در پذیرش واردات فرهنگی خارجی بدون مقدس‌پنداشتن ارزش‌های بنیادین آن در ارتباط است اتمام می‌پذیرد. از این رو نوعی تکثر در درون حوزه تمدنی ژاپن مورد توجه نویسنده است تا این تکثر درونی و ارتباط آن با جهان خارج از خود را نمایان سازد.

نویسندگان فصل ششم و هفتم نیز تلاش می‌کنند تا نشان دهند که تمدن‌های اسلامی و هندی نیز نمونه‌هایی هستند که مسئله تکثر و کثرت‌گرایی تمدن را اثبات می‌کنند. سوزان رودولف^{۱۳} در فصل ششم که با عنوان چهار گونه مختلف از تمدن هندی^{۱۴} نگاشته است با بررسی انواع مختلف تمدن هندی در خلال یک دوره ۲۵۰ ساله، یعنی از اواسط قرن ۱۸ تا قرن ۲۱ که شامل دوره‌های شرق‌شناسانه، انگلیکن، هندی و هندوهای ملی‌گرا می‌باشد به این نتیجه رسیده است که باید به نقش سیاستمداران در ایجاد مفهوم تمدن توجه کرد؛ زیرا کاربرد آگاهانه مفهوم تمدن توسط سیاستمداران سبب ایجاد رونق این مفهوم می‌شده است. بروس لارنس در فصل هفتم که به بررسی تمدن اسلامی می‌پردازد، بر این باور است که تمدن اسلامی

8. David kang

9. Civilizations and state formation in the shadow of china

10. Sinic civilization

11. David leheny

12. Japan ponders its global and regional roles

13. Susanne Rudolph

14. Four variant of Indian civilization

15. Patrick Jackson

16. How to think about civilizations?

17. Post essentialist

حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه

فاطمه یاقوتی

اشاره

«توسعه در تاریخ ایران همواره بی ثبات بوده است». شاید این تنها فصل مشترک تمام تحلیل‌های توسعه‌ای اندیشمندان و مورخان خاورمیانه با وجود همه اختلاف نظرهایشان باشد. خیزش نهادهای مدرن ایران در برهه‌ای روی داد که بسیاری از کشورها هنوز با مفهوم مشروطه و مجلس‌آشنایی نداشتند. اما با این حال در ادامه مسیر توسعه ایرانیان از بسیاری کشورهای هم‌رده خود بازماندند. این اثر پژوهشی درباره رفتار اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه و همزمان با خیزش نهادهای مدرن و نهادهای اقتصادی است. مشروطه در این موقعیت از ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه تا صدراعظمی امیرکبیر، قائم‌مقام و غیره تا ۱۹۰۶ زمان صدور فرمان مشروطیت است. در این بازه زمانی باید علل ناکامی ایران در مسیر توسعه و تشکیل ثروت را بررسی کرد.

کتاب دربردارنده چهار فصل است.

فصل اول: رویکردهای نظری و روشی

آنچه برای پژوهشگر در ابتدای کار مورد توجه بوده، دلایل نرسیدن به توسعه مطلوب با وجود وجود تکنیک و برنامه‌های متعدد توسعه در خلال سالیان مختلف در دوره‌های متعدد تاریخی بوده است. با این پیش‌فرض دو سؤال اساسی که در طول یکدیگر قرار داشتند مطرح شد. اول چرایی شکل‌نگرفتن «روح سرمایه‌داری» در جامعه ایرانی با وجود بهره‌مندی از نمادهای سرمایه‌دارانه بود و دوم که به نوعی مقدمه و زمینه ورود به سؤال پیشین قلمداد می‌شد، توصیفی از رفتار و حیات اقتصادی ایرانیان بود. مسئله‌ای که به دلیل غفلت تاریخ از پرداختن به سوژه‌های انسانی کمتر بدان توجه شده است. با توجه به همین پرسش‌ها است که می‌توان گفت کار به لحاظ نظری و روشی، دنباله‌روی پژوهش‌های اخلاق اقتصادی ادیان و پرو مهم‌ترین کار ایشان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» است که برای تکمیل نواقص و رفع اشکالات کار ویر از ظرفیت‌های نظری نوبلیست نئونهادگرای اقتصادی، داگلاس نورث استفاده شده است.

فصل دوم: حیات اقتصادی ایرانیان

همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین هدف از نگارش این کتاب پرداختن به خصایص فردی و کنش‌هایی است که به صورت غیرمستقیم می‌توانسته است بر افعال اقتصادی مردم عصر مشروطه تأثیرگذار باشد، به‌ویژه اینکه در این دوره شاهد شکل‌گیری نهادهای اقتصادی‌ای بوده‌ایم که پژوهشگر مدعی است کمتر کتابی به صورت مدون و کامل به آنها پرداخته است. نویسنده برای شرح زمینه‌های اقتصادی آن دوران به توصیف نحوه تجارت، وضعیت صنعت، اوضاع پولی و مالی در جامعه (وضعیت قران، بالا و

حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه؛ سمیه توحیدلو، تهران: هرمس، ۱۳۹۵.

توجه اغلب متشرعین تا حتی روشنفکران نیز قرار گرفته، مفهوم عدالت در معنای حفظ توازن می‌باشد. قرارگرفتن هر چیزی بر جای خویش معنایی است که برای مفهوم عدالت از حکمت یونانی افلاطون در کتاب جمهور تا فقه دوره مشروطه جاری بوده و اینکه اگر شاه در جای خود و رعیت در جایگاه خویش قرار گیرد، عین عدالت است نیز جزء باور بسیاری می‌شود. این مفهوم نمی‌تواند مقابله با ظلم را برساند. توازن برای ایرانیان، نه تلاش برای قرارگرفتن در جایگاهی که باید باشند که تلاش برای نگهداری هر چیز بر جایگاه موجود بوده است. امری که چه به لحاظ دینی و چه به لحاظ رفتار عملی در میان ایشان درونی شده بود. چنین نوع نگاهی نوعی ایستایی و نظم خواهی را برای ایشان به وجود آورده بود؛ چیزی که هرگونه تغییرات ساختاری را فراتر از نظم موجود رفتن معنا نموده و از آن سرباز می‌زده است. امری که حتی در صورت انجام کنش‌های اتفاقی و جمعی، به دلیل ازدست رفتن نظم قدیم و نرسیدن به نظمی که افراد را در جایگاه خویش بنشانند، باعث علاقه مردم به بازگشت به نظم قدیم شده و حرکت سینوسی ایشان را در نظم خواهی و ایستاگرایی توجیه می‌کند. سرتاسر تاریخ ما در تلاش برای استقرار این نظم سنتی مسائل دست به دست می‌شود. این ایستاگرایی و نظم خواهی می‌تواند همان ایده‌ای باشد که تبدیل به نیروهای اخلاقی مذکور شده است. در واقع اگر کلیه خصائص یادشده در میان ایرانیان را بار دیگر قرار باشد توضیح دهیم، قابلیت تبیین با این ایده وجود دارد؛ ایده نظم، ایستاگرایی و حفظ وضعیت موجود.

حتی با نظرکردن در دعوی بین متشرعان و مشروطه خواهان در زمان مشروطه نیز رد پای چنین عدالتی به خوبی دیده می‌شود. اینکه باید هرکس در جای خویش باشد و جابه جاشدن جایگاه زن و مرد، فقیر و غنی، عالم و جاهل، مقلد و مجتهد، مسلمان و کافر امری غیرشرعی است و در رساله معروف شیخ فضل‌الله نوری در مذمت مشروطه و قانون آن وجود دارد.

به نظر می‌رسد جامعه ایرانی قدم‌های خوبی برای رسیدن به آستانه رشد و پیشرفت برداشته باشد. حتی در طول تاریخ رفتارها و کنش‌های اقتصادی خوبی هم در میان ایشان دیده می‌شود. آثار سرمایه‌داری نیز در این دوره‌ها خود را نشان داده است، اما نظم مدرن که بوروکراسی و به شکل تصلبی آن قفس آهنین و پیری یا گردونه خردکننده‌گیدنزی را به دنبال داشته، چیزی است که وارد جوامع نیازمند نظم شده است. جامعه‌ای که نظم سنتی و باور عمومی و مذهبی هم‌راستای نظم را دارد، به دنبال نظم‌های جدید نخواهد بود. نظم جدید روحيات و فرهنگ‌های جدید کاری را با خود خواهد آورد؛ چیزی که حتی نیازش در باورهای ایرانی نیز خودنمایی نمی‌کند.

پایین شدن‌های قیمت نقره و مسئله نرخ‌های برابری قران با پول‌های خارجی، وضعیت کشاورزی و زمین‌داری و نهادها و سازمان‌های اقتصادی اعم از بانک‌ها، گمرکات، مالیات‌ها، شرکت‌های داخلی و خارجی پرداخته است. در ادامه نیز به خصوصیات فردی و اجتماعی در قالب طبقه‌بندی‌های متعدد اجتماعی و سبک زندگی هر کدام از طبقات نظر کرده و به توصیف سبب مصرفی و درآمدی خانوار پرداخته است. به دست‌آوردن تخمینی از وضعیت تورم و نحوه معیشت ایرانیان از اهداف نهایی این بخش از کتاب بوده است.

فصل سوم: خلیات ایرانی

مقایسه خصوصیات اخلاقی ایرانیان با اخلاقیات ذکرشده توسط وبر در اخلاق پروتستان در قالب کنش‌های انسانی و رابطه وی با خدا، خویشتن، انسان‌های دیگر، طبیعت و نسبت ایشان با اقتصاد در فصل سوم آورده شده است. نویسنده با توجه به همان مفاهیم اولیه و تفاوت‌هایی که در انواع اخلاق پروتستانی از منظر اقتصاد به دست آورده و با نظر به مطالعاتی که در کتب تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و دیگر اسناد موجود از آن دوران به انجام رسانده، شاخص‌هایی از قواعد اخلاق ایرانیان فراهم کرده است؛ قواعدی که روایتگر ویژگی اخلاقی ایرانی است و در وهله اول قرار است به پرسش «چگونگی حیات اقتصادی ایرانیان» که در فصل دوم ناتمام ماند پاسخ دهد.

از میان خصائص مختلفی که در اسناد تاریخی به جای مانده است برخی رخ می‌نماید: تعهد به مذهب، تقدیرگرایی، پایبندی به امور فرامادی، بی‌ارزش بودن زمان، غنیمت‌شمردن، خدمتکاری، سنت قرض‌گرفتن یکی از راه‌ها برای مقایسه و تطبیق این خلیات با اخلاق پروتستانی ویر که جز اهداف این کتاب بود، این است که از همان ابتدا ذیل مفاهیم کلیدی پژوهش که انواع تعامل‌های انسان بود دسته‌بندی شود. با کمک مطالعات تاریخی انجام‌شده توسط پژوهشگر کتاب خصوصیات اخلاقی ایرانی ذیل همان مفاهیم کلیدی دسته‌بندی و با سنخ آرمان پروتستانی در چندین جدول مقایسه شده است.

فصل چهارم: اخلاق اقتصادی ایرانیان

بیرون آوردن قواعد رفتاری و اخلاقی مرتبط با اقتصاد و تطبیق آن با سنخ‌های آرمانی و همین‌طور دسته‌بندی، کدگذاری و مقوله‌سازی‌های صورت‌گرفته باعث تقسیم‌بندی خصائص رفتاری به چهار دسته عمده با عنوان تقدیرگرایی، سازگاری، محافظه‌کاری و امنیت خواهی شده است.

نویسنده معتقد است: آنچه بسیار در متون بدان اشاره شده موضوع عدالت است. موضوعی که با تعاریف متعددی در رسائل یافت می‌شود، اما آنچه در میان تمامی آنها به گونه‌ای اشتراک دارد و مورد

هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی

نیره خداداد شهری

کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء

مقدمه

هویت ملی و قومی مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی مقوله‌ای تاریخی است که در سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی که پدیدار می‌شود رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می‌کند.

هویت قومی و ملی امری طبیعی و ثابت نیست که پایه‌های مشخص و تغییرناپذیر داشته باشد، بلکه پدیداری است که گذشته از عناصر عینی و آفاقی، ریشه در تجربه‌های مشترک و خاطرات و تصورات جمعی مردم دارد. در دوره تاریخی معینی ابداع می‌شود، خاطرات تاریخی در ارتباط با آن شکل می‌گیرد یا خاطرات فراموش شده در خصوص آن احیا می‌شود، قباله تاریخی برایش ثبت می‌شود و در سالگردها و سال روزها به حیاتش ادامه می‌دهد.

هویت قومی که از دوران پیش از تاریخ همچنان تداوم داشته است، ریشه در احساس تعلق به طایفه و تیره و قبیله و قوم و ایل دارد. افراد یک قوم یا طایفه که نیا و آداب و رسوم و کلانتران و کدخدایان مشترک دارند، در سرزمین معین زندگی می‌کنند. هم‌زبان‌اند. با یکدیگر در زمینه‌های اقتصادی همیاری دارند. برای دفاع از منافع جمعی قوم و قبیله می‌جنگند و معمولاً با نام معین و هویت جمعی مشخص از اقوام و طوایف دیگر متمایز می‌شوند. در واقع این احساس بسیار قدیمی قومیت و ایلیت را می‌توان از عناصر تاریخی هویت ملی در عصر جدید دانست.

اما هویت ملی در حالی که با هویت قومی بستگی‌هایی دارد، از پدیده‌های تاریخی عصر جدید است که در جریان پیدایش دولت‌های ملی در دو قرن گذشته در سراسر جهان شکل گرفته است.

این احساس دوگانگی میان «ما و دیگران» اگر در حد اعتدال و معقول باشد، می‌تواند همچون نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی ظاهر شود و اگر به قلمرو تعصبات و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های ملی و قومی و نژادی درآید یا به بهانه چالش با تعصبات ملی و قومی، به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند، نیرویی ویرانگر خواهد شد؛ زاینده دشمنی و ستیزه‌جویی^۱.

در کتاب حاضر، پس از بررسی فشرده دیدگاه‌های مربوط به هویت قومی و ملی که بازسازی هویت ایرانی را در دوران ما شکل داده و به تصویر کشیده‌اند، تحول تاریخی هویت ایرانی در چند دوره متمایز تاریخی بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. هویت ایرانی، ص ۲۱-۲۲.

احمدی، حمید، گردآورنده و مترجم؛
هویت ایرانی: از دوران باستان
تا پایان پهلوی؛ احمد اشرف و
دو مقاله از گراردو نیولی و شاپور
شهبازی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۵،
۲۶۴ صفحه.



احمد اشرف

و دو مقاله از: گراردو نیولی و شاپور شهبازی

هویت ایرانی

از دوران باستان تا پایان پهلوی

ترجمه و تدوین دکتر حمید احمدی



درباره نویسندگان اثر

کتاب حاضر حاصل ترجمه چند مقاله از صاحب نظران به همراه اضافاتی از گردآورنده و مترجم است. در ادامه به معرفی مختصر پژوهشگران این اثر می‌پردازیم.

حمید احمدی در دوره دکتری در دانشگاه کارلتون کانادا (۱۳۶۹-۱۳۷۴ش) موضوع پایان نامه خود را به هویت ملی و واکاوی مسئله اقوام ایرانی و علل سیاسی شدن آن در ایران اختصاص می‌دهد. وی هم‌اکنون دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. دکتر احمدی گردآورنده و مترجم این اثر است.

یکی از نخستین پژوهشگران با سابقه علوم اجتماعی ایران که توجه خود را به این مهم معطوف کرد، احمد اشرف است. جایگاه او در پژوهش‌های اجتماعی ایران بسیار شاخص و شناخته شده است. آنچه احمد اشرف را در وهله نخست در جامعه پژوهشگران ایران متمایز کرد، پژوهش شناخته شده او درباره موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران بود. وی در پژوهش‌های بعدی خود درباره طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران و جایگاه تئوری توطئه در ایران معاصر، با اتکا به همین دید تاریخی نگر، مسائل ایران را تحلیل کرده است. احمد اشرف که از پژوهشگران و سرویراستاران ارشد دانشنامه بین‌المللی ایرانیکادر دانشگاه کلمبیاست، به موضوع هویت ایرانی در قالب یکی از مدخل‌های آن دانشنامه پرداخته است.^۲

گراردو نیولی از مهم‌ترین پژوهشگران خارجی عرصه ایران‌شناسی سیاسی به شمار می‌آید و تنها کسی است که برجسته‌ترین اثر ایران‌شناسی سیاسی را درباره ریشه‌یابی نام ایران و به تبع آن هویت ایرانی در ایران باستان عرضه کرده است. آشنایی ایرانیان با کار او بسیار ضروری می‌نمود. در واقع فصل مربوط به هویت ایرانی در دوران باستان نشان‌دهنده آن است که برخلاف دیدگاه‌های مدرن و پست‌مدرن که برآمدن هویت ایرانی را به دوران پهلوی یا اندکی پیش از آن مربوط می‌دانند، هویت ایرانی ریشه‌ای تاریخی داشته و همان‌طور که نیولی با مراجعه به متون کهن دینی، تاریخی و سیاسی ایران باستان نشان داده است، ایده ایران به منزله منظومه‌ای هویتی به دوران اوستایی، کیانی و هخامنشیان بازمی‌گردد که در آغاز بیشتر جنبه قومی و نژادی داشته و بعدها در دوره ساسانیان تکامل پیدا کرده و جنبه‌های سیاسی - سرزمینی و تا حدی دینی نیز پیدا کرده است.^۳

شاپور شهبازی استاد وقت مطالعات ایران در دانشگاه اورگون شرقی بود که یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان ایرانی معاصر به شمار می‌رفت و بیشتر نوشته‌های خود را در خارج از ایران و به زبان‌های انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی منتشر کرده بود. شهبازی در بخشی از کتابی درباره امپراتوری ایران که در سال ۲۰۰۵م از سوی انتشارات آی. بی. توریس در انگلستان و آمریکا منتشر شده به ایده ایران پرداخته است. در این نوشته او بحث نیولی درباره ایده ایران را گسترش داده و این نظریه نیولی را که ایده ایران در دوره هخامنشی و اشکانی همانند دوره ساسانی سیاسی نبوده است نقد کرده و با بهره‌گیری از منابع کهن ایرانی و غیرایرانی و تفسیر آن متون نشان داده است که ایده ایران از دوره اوستایی و حتی کیانی (پیشاوستایی) به بعد از جمله در دوره هخامنشیان و اشکانیان (پارت‌ها)، مفهومی سیاسی داشته و برای ایرانیان آن دوره‌ها بازتاب ملیت و هویت ملی بوده است.^۴

معرفی اثر

کتاب حاضر با توجه به برگردان نوشته شهبازی و افزوده‌های اشرف، بسیار گسترده‌تر از نسخه انگلیسی چاپ شده آن در دانشنامه ایرانیکاست. متن نهایی در هشت فصل سازماندهی شده که دربرگیرنده بحث نظری درباره روایت‌های موجود از هویت ایرانی، هویت ایرانی در دوره باستان (برگردان مقاله گراردو نیولی و

کتاب حاضر با توجه به برگردان نوشته شهبازی و افزوده‌های اشرف، بسیار گسترده‌تر از نسخه انگلیسی چاپ شده آن در دانشنامه ایرانیکاست. متن نهایی در هشت فصل سازماندهی شده که دربرگیرنده بحث نظری درباره روایت‌های موجود از هویت ایرانی، هویت ایرانی در دوره باستان (برگردان مقاله گراردو نیولی و شاپور شهبازی)، هویت ایرانی در قرون اولیه اسلامی، هویت ایرانی در دوره فرمانروایی ترکان، هویت ایرانی در عصر صفوی، هویت ایرانی در دوره مدرن یعنی دوران قاجار و مشروطیت و سرانجام هویت ایرانی در دوره پهلوی است.

۲. هویت ایرانی، ص ۱۳-۱۴.

۳. هویت ایرانی، ص ۱۷-۱۸.

۴. هویت ایرانی، ص ۱۸.

شاپور شهپازی)، هویت ایرانی در قرون اولیه اسلامی، هویت ایرانی در دوره فرمانروایی ترکان، هویت ایرانی در عصر صفوی، هویت ایرانی در دوره، مدرن یعنی دوران قاجار و مشروطیت و سرانجام هویت ایرانی در دوره پهلوی است.^۵

در فصل نخست مفاهیم و نظریه‌های هویت ایرانی در سه روایت بازنگری شده است.

هویت ایرانی مانند هر پدیده اجتماعی دیگر به روایت‌های گوناگون به تصویر آمده است. در این میان سه روایت عمده در پاسخ به این سؤال که «منشأ پیدایش ملت‌ها چیست و به چه دورانی بازمی‌گردد؟» تدوین شده است که به ترتیب زمانی عبارتند از: روایت «ملت‌گرا»، روایت «مدرن و پست مدرن» و روایت «تاریخی‌نگر». روایت نخست که آن را «ناسیونالیسم رومانتیک» نیز می‌خوانند، ملت را پدیدار طبیعی تاریخ بشری انگارد که منشأ آن را باید در دوران پیش از تاریخ جست. در تقابل با این دیدگاه که از مقوله ناسیونالیسم افراطی است، روایت «مدرن و پست مدرن» در نیمه قرن بیستم تدوین شد و رواج گرفت. این دیدگاه ملت را پدیداری جدید می‌داند که ساخته و پرداخته دولت‌های ملی در عصر جدید است و عمر آن از قرن هجدهم پیش‌تر نمی‌رود. افزون بر این بین هویت ملی که ویژه دنیای مدرن است و هویت‌های پیش از آن گسستی تاریخی وجود دارد.

روایت سوم یا دیدگاه «تاریخی‌نگر» در اینکه هویت ملی زاده دنیای جدید است با دیدگاه «مدرن و پست مدرن» هم‌آواز است، اما گسست بنیادین هویت ملی همه ملل، به‌ویژه ایران را با هویت گذشته آنان به استناد شواهد تاریخی بسیار نمی‌پذیرد. تمایز میان «هویت تاریخی ایران» و «هویت ملی ایرانی» است؛ بدین معنی که «هویت تاریخی ایرانی» بر اساس شواهد بسیار که در این کتاب آمده است، از دوران ساسانی تنظیم و تدوین شده و به صورت گوناگون تا قرن نوزدهم میلادی به دفعات بازسازی شده و در دو قرن اخیر به «هویت ملی ایرانی» تحول یافته و به صورتی جدید ساخته و پرداخته شده است.^۶

پس از بررسی این سه روایت نویسنده بر آن است که تداوم هویت ملی ایرانی حاصل ترکیبی کاربردی یا فونکسیونری در میراث تاریخی پادشاهی، زبان و ادبیات فارسی و مذاهب ایرانی، یعنی دین زرتشتی در دوران پیش از اسلام و تشیع در دوران اسلامی است. دیدگاه احمدی درباره نقش مذاهب ایرانی به مثابه ستون‌های پایدار هویت ایرانی ممکن است تحت تأثیر اندیشه‌های هانری کربن و سیدحسین نصر باشد که با تفسیر فلسفه اسلامی، آن هم عمدتاً در راستای عقاید عرفانی تشیع اعتقاد داشتند که تشیع ریشه بسیار عمیقی در مذاهب ایران باستان دارد.

مراحل عمده بازسازی و تحول هویت ایرانی از دوران ساسانی تا عصر حاضر را می‌توان در هفت دوره زیر مشخص کرد:

۱. مرحله بنیادین بازسازی هویت ایرانی به منزله نوعی هویت «ملی پیشامدرن» در عصر ساسانی که از گونه‌ای حس ناسیونالیسم قومی باستانی برخوردار بود و از نوع هویت‌های پیش از عصر جدید است.
۲. مرحله سکون و رکود هویت ایرانی در قرن نخستین اسلامی.
۳. مرحله تجدید حیات و بازسازی هویت فرهنگی ایران در عهد حکومت‌های محلی ایرانی در قرن‌های سوم تا پنجم هجری.
۴. مرحله پیچیده عصر سلاجقه با گسترش زبان فارسی به منزله زبان دیوانی از یک سو و اندیشه امپراتوری فراگیر اسلامی در برابر احساسات قومی «ملیت‌ها» از سوی دیگر.
۵. مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی در عهد مغول و تیموریان.

۵. هویت ایرانی، ص ۱۹.

۶. هویت ایرانی، ص ۲۵-۲۶.

هویت ایرانی مانند هر پدیده اجتماعی دیگر به روایت‌های گوناگون به تصویر آمده است. در این میان سه روایت عمده در پاسخ به این سؤال که «منشأ پیدایش ملت‌ها چیست و به چه دورانی بازمی‌گردد؟» تدوین شده است که به ترتیب زمانی عبارتند از: روایت «ملت‌گرا»، روایت «مدرن و پست مدرن» و روایت «تاریخی‌نگر». روایت نخست که آن را «ناسیونالیسم رومانتیک» نیز می‌خوانند، ملت را پدیدار طبیعی تاریخ بشری انگارد که منشأ آن را باید در دوران پیش از تاریخ جست.

۶. مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی - شیعی در عصر صفوی.

۷. مرحله بازسازی «هویت ملی ایرانی» در معنای امروزی آن در دو قرن اخیر.

این مراحل در فصل‌های بعدی کتاب بررسی خواهند شد.^۷

سخن پایانی

عوامل سه‌گانه:

۱. دگرگونی‌های نظری و چالش‌های نظری برآمده از گفتمان جهانی شدن

۲. دگرگونی‌های ژئوپلیتیک جدید منطقه‌ای پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و سرانجام

۳. غلبه گفتمان فراملی اسلام‌گرا در سیاست‌های ایران

باعث شدند که موضوع هویت و ملیت در ایران در دو دهه اخیر از اهمیت چشم‌گیری برخوردار شود.^۸

در ایران اواخر قرن بیستم نیز همانند بسیاری از جوامع دیگر، وابستگی‌های قومی - زبانی و علایق استانی و ایلی غالباً با هویت ملی رقابت می‌کنند. با این همه با وجود این هویت‌های چندگانه، بیداری فرهنگی دارای ریشه‌های عمیق و بیداری تاریخی نسبت به تداوم تاریخ طولانی و متمایز کشور، همچون نیرویی انسجام‌بخش و قدرتمند بر جریان‌های گوناگون تفرقه‌انداز غلبه کرده است. یافته‌های یک بررسی ملی که در مراکز ۲۸ استان ایران در سال ۱۳۸۰ش (۲۰۰۱م) صورت گرفت، نشان می‌دهد که مردم روابط، علایق و وابستگی‌های بسیار نیرومندی به هویت «ایرانی» خود دارند. در پاسخ به این پرسش که «تا چه اندازه از ایرانی بودن خود احساس غرور می‌کنید؟»، ۶۸٪ از پاسخ‌دهندگان اشاره کرده‌اند که برای هویت ایرانی خود ارزش زیادی قائل‌اند.

هدف اصلی در این کتاب بررسی سیر تحول اندیشه یا ایده ایران همچون عنصری هویتی، تاریخی، فرهنگی، دینی و سیاسی بوده است و اینکه این ایده که خود را در لابه‌لای متون گوناگون دینی عصر باستان تا متون تاریخی، ادبی و گاه دینی دوران پس از اسلام به نمایش گذارده، چگونه در فراز و نشیب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و مردمان ایرانی تداوم یافته و در دوران مدرن و معاصر، بنیان‌گذار هویت ملی ایرانی را استوار ساخته است. این تجلی هویت تاریخی، فرهنگی و سیاسی ایرانی همان‌طور که در فصول مربوط به دوران پس از اسلام اشاره شد، بیش از هر چیز خود را در آثار ادبی، شعر و نثر شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی و در کتاب‌های تاریخی مربوط به سیر تحول تاریخی ایران نمودار ساخته است.

بر این اساس هویت ایرانی همچون یک پدیده تاریخی و سیاسی، نه محصول دوران مدرن، آن‌طور که روایت مدرن و پست‌مدرن می‌گوید، بلکه محصول قرن‌های متمادی پیش و پس از اسلام بوده است. گر چه ما بر آن نیستیم که هویت ایرانی مطرح در دوران مورد اشاره گذشته را هویت ملی به مفهوم مدرن آن بنامیم، در عین حال تأکید بر آن است که سرزمین ایران و مردمان آن برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر دارای یک آگاهی تاریخی، فرهنگی و سرزمینی از ایران بوده‌اند که از قرون پیش از اسلام به دوران اسلامی انتقال یافته و به‌ویژه در دوران سلطه‌ی سلسله‌های غیرایرانی رشد و بالندگی یافته و با درهم‌آمیختن با باورهای دینی اسلام و تشیع به دوره مدرن منتقل شده است.^۹

امید است که انتشار این کتاب در بحث هویت ایرانی و ریشه‌های تاریخی آن و در ادبیات مربوط به هویت و ملیت در ایران سهمی داشته و برای ایرانیان، به‌ویژه نسل جوان ایرانی، در دنیای پیچیده و پرازورمز جهانی شدن و گسترش شبکه‌های ارتباطی جهانی آگاهی بخش باشد.

۷. هویت ایرانی، ص ۴۴-۴۶.

۸. هویت ایرانی، ص ۱۰-۱۱.

۹. هویت ایرانی، ص ۲۲۱-۲۲۳.

هدف اصلی در این کتاب بررسی سیر تحول اندیشه یا ایده ایران همچون عنصری هویتی، تاریخی، فرهنگی، دینی و سیاسی بوده است و اینکه این ایده که خود را در لابه‌لای متون گوناگون دینی عصر باستان تا متون تاریخی، ادبی و گاه دینی دوران پس از اسلام به نمایش گذارده، چگونه در فراز و نشیب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و مردمان ایرانی تداوم یافته و در دوران مدرن و معاصر، بنیان‌گذار هویت ملی ایرانی را استوار ساخته است.

بلاغت: از آتن تا مدینه

سیمه خورشیدی

پژوهش حاضر بررسی تطبیقی‌ای از مفهوم بلاغت است. در این کتاب مؤلف اذعان می‌کند که اصول بلاغت مسلمانان در فن خطابه باستان به نحو منسجم‌تر تفصیلی‌تر و دقیق‌تری بررسی شده است. نویسنده با این پژوهش نشان می‌دهد که خطابه و شعر مسلمانان تحت تأثیر فن شعر ارسطو هستند و اصولی که در کتاب‌هایی که به شعر پرداخته‌اند، از جمله نقد الشعر، عیار الشعر، العمده فی محاسن الشعر و آدابه و نقده و... با اصول خطیبان و آموزگاران خطابه شباهت‌هایی دارد. به طور خلاصه نظر نویسنده در این کتاب درباره تأثیرپذیری بلاغت مسلمانان از بلاغت غرب چنین است: ۱. نظام آموزشی دوران هلنیستی در جهان اسلام نمودهای بسیاری داشته است. ۲. آنچه آموزگاران فن خطابه در باب فضایل و رذایل سبکی و اصولی که سخنور هنگام ایرادگفتن باید بدان پایبند باشد را آورده‌اند، در درسنامه‌های بلاغی جهان اسلام نیز منعکس شده است. ۳. بحث‌های بلاغیان غرب در باب عواملی که باعث می‌شود یک متن به مرتبه‌ای عالی بلاغت برسد، در بلاغت اسلامی نیز منعکس شده است. ۴. شباهت نظام آموزشی و شیوه‌های بررسی متون، یکسانی فضایل و رذایل سبکی و شباهت میان الگوهای بلاغی در دو نظام بلاغی و تابعیت اصول بلاغی اسلامی از فن خطابه دوران هلنیستی است و نشان می‌دهد که از میان ژانرهای خطابی، ژانر منافره بیش از ژانرهای خطابی و بیش از انواع دیگر خطابه در جهان اسلام نمود داشته است.

کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل نخست به چارچوب هلنیستی بلاغت و تاریخ شکل‌گیری بلاغت پرداخته (دوران هلنیستی در تاریخ بلاغت به دوره‌ای اطلاق می‌شود که فتوحات اسکندر مقدونی تغییرات عمده‌ای در قلمرو تحت سلطه او ایجاد کرد). در این فصل درون‌مایه‌های اصلی رویکرد ارسطویی به فن خطابه را معرفی و تفاوت‌های این رویکرد با آرای خطیبان و آموزگاران خطابه دوران هلنیستی و تأملات پراکنده ارسطو در باب مسائل سبکی که به نظام بلاغی دوره بعد نیز راه یافته است بررسی می‌شود. همچنین معرفی آن دسته از مهم‌ترین اصول و درون‌مایه‌های بلاغی که در آثار ارسطو نیست و بعداً افزوده شده است و همچنین جایگاه و میراث بلاغی ارسطو در غرب باستان.

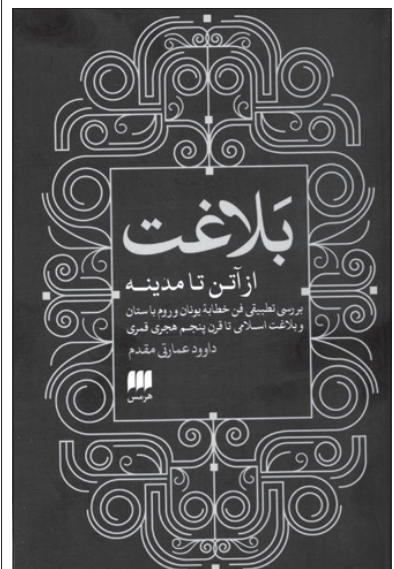
تبیین تفاوت‌های بلاغت ارسطویی با بلاغت غیرارسطویی دوره‌های بعد که در تاریخ فن خطابه به دوران هلنیستی معروف است. در آثار بلاغی ارسطویی عناصری وجود دارد که دوره‌های بعد نیز تا حدی بدون تغییر باقی می‌ماند. با این حال رویکرد خاص ارسطو به فن خطابه و بلاغت به گونه‌ای است که آثار بلاغی او را نمی‌توان محمل مناسبی برای بررسی‌های تطبیقی در نظر گرفت. همچنین در بخش آخر فصل اذعان دارد که آثار بلاغی ارسطو نه فقط در جهان اسلام نفوذ بسیار محدودی داشته، بلکه حتی در خود غرب نیز این آثار به‌ویژه فن شعر پس از نگاشته شدن به مدت دو هزار سال در محاق فراموشی فرو رفت.

در فصل دوم بلاغت را رکن سوم فن خطابه و سبک می‌داند و فضایل و رذایل سبکی به مثابه خاستگاه علم معانی و بیان و بدیع بررسی شده است.

طبق بررسی نویسنده بلاغت پیش از قرن پنجم معادل فن خطابه به کار می‌رود و اصول و تمهیدات زیبایی‌شناختی این دوره نیز تابعی از الگوهای خطابی هستند.

در این فصل به فهرست صناعات بلاغی فن خطابه برای هرینوس که نخستین فهرست مدون صناعات

بررسی تطبیقی فن خطابه یونان و روم باستان و بلاغت اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ داود عمارتی‌مقدم؛ تهران: هرمس؛ ۱۳۹۵



منافرات در کنار مشاجرات و مشاورات یکی از سه ژانر به لحاظ غایت موضوع و نوع مخاطبان است که در میان ژانرهای خطابی وضعیت ویژه‌ای دارد. موضوع مشاجرات پرداختن به دعوی حقوقی و دادرسی قضایی است و غایت آن متهم کردن یا دفاع کردن و مخاطب آن نیز قضات است. مشاورات گفتارهایی هست که در باب مسائل سیاسی و مدنی و ... است. اما ژانر منافرات موضوع مشخصی ندارد و تا جایی که غایت آن، یعنی مدح و ذم برآورده شود، هر موضوعی قابلیت طرح در این ژانر را داراست. در واقع منافرات همان بزرگ‌نمایی اعمال و سخنان شایسته و نسبت دادن ویژگی‌هایی به ممدوح و کوچک‌نمایی ویژگی‌های شایسته و بزرگ‌نمایی ویژگی‌های ناشایست است.

افزون بر این تأثیر اذعان می‌کند که این ژانر (منافرات) در جهان اسلام نمود داشته است و برخی آثار حول محور مدح و ذم به نگارش درآمده‌اند و رویکردی کاملاً سوفسطایی به حقیقت را به نمایش می‌گذارند. در پایان فصل چهارم رساله فن خطابه از تگرینی را بررسی کرده است.

مؤلف به این نتیجه می‌رسد که نه فقط رد پای تعدادی از اصول بلاغی جهان اسلام، بلکه حتی منشأ برخی خطاها در ترجمه و تفسیر فن شعر ارسطو را می‌توان در آثار بلاغی سربانی به مثابه مهم‌ترین زبان واسطه میان غرب باستان و جهان اسلام یافت. از جمله این اصول می‌توان به تقسیم‌بندی اشعار توسط قدامه بن جعفر، تعریف پنج صنعت اصلی توسط ابن معتر، ترجمه تراژدی به المدیح و تعریف تراژدی بر اساس ژانر منافرات و ترجمه MIMESIS به محاکات به مثابه کاربرد هر گونه زبان مجازی یا بیان چیزی بر اساس چیز دیگر اشاره کرد.

پیوست کتاب نیز در دریافت بهتر معادل‌های بلاغی غرب در زبان فارسی کمک می‌کند. همچنین به این نکته باید توجه داشت که مؤلف کتاب با توجه به اینکه مخاطب آگاهی کامل از تمام متون بلاغی غرب و مسلمانان دارد، این کتاب را نوشته که به نظر می‌رسد اشاره نویسنده در مقدمه برای اینکه برای دریافت مطالب کتاب از چه کتاب‌هایی باید آغاز نمود لازم می‌نمود. این کتاب برای کسانی که اشراف کامل به متون بلاغی غرب باستان و مسلمانان در قرن‌های نخستین دارند، می‌تواند مطالبی آگاهی‌بخش برای آگاهی از نحوه تأثیرپذیری اصول بلاغی غرب و جهان اسلام از یکدیگر باشد و راه را برای مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی و تاریخی باز کند.

به نظر می‌رسد آوردن نمایه توصیفی تعریفی در پایان کتاب از نکاتی است که برای درک اصطلاحات و اشخاص و ... کمک می‌کند که کتاب فاقد آن است.

نیز کسانی چون عبدالقاهر جرجانی و ابوهلال عسگری از علمای نخستین اسلامی که نظریات انتقادی بسیاری در بلاغت دارند در این کتاب با نگاهی عمیق بررسی نشده‌اند و تأکید بر تأثیر غرب بر شرق در کتاب بیشتر جلب توجه می‌کند.

در نظام بلاغی غرب باستان است می‌پردازد و به اهمیت وصف در فن خطابه، (وصف ترسیم زنده واقعیت‌ها از طریق گفتار است، چنان که مخاطب احساس کند هم اکنون شاهد وقوع آنهاست) همچنین به تفاوت وصف با تشبیه؛ چون تشبیه برای بلاغیون نیز نوعی تمهید بنیادی برای وصف تخیلی است.

در این فصل فضایل پنج‌گانه^۱، صحت دستوری کلام^۲، وضوح و روشنی^۳، ترسیم زنده واقعیت^۴، تزئین کلام^۵، تناسب را نام می‌برد و این فضایل زیربنای اصول بلاغی در غرب باستان و نیز جهان اسلام می‌شمارد.

در فصل سوم به تطبیق اصول رکن سوم فن خطابه، سبک با اصول بلاغت اسلامی پرداخته شده است. پرداختن به این اصول در دو فصل مجزا است. بررسی نویسنده نشان می‌دهد شماری از اصول سبکی در فن خطابه غرب باستان ذیل مقوله فضایل و ردایل سبکی مطرح می‌شود؛ یعنی مواردی که هر سخنوری ملزم به رعایت آنهاست. اصولی نظیر صحت دستوری کلام، وضوح و روشنی، ترسیم زنده واقعیت، تزئین کلام و تناسب.

همچنین در فصل سوم به آن دسته از مباحث سبکی پرداخته است که در غرب باستان شالوده و مفهوم سخنوری ایده‌آل بوده است؛ مباحثی نظیر سطوح سبکی و مسئله نظم که به بررسی نحوه چینش اجزای کلام می‌پردازد از واج، هجا و عبارت گرفته تا مقولات نحوی. پژوهشگر در این فصل نشان داده که تصور بلاغیون مسلمان از الگوهای ایده‌آل بلاغی که در بافت کلامی اعجاز نام می‌گیرد تا حد زیادی بر مبنای همین دو مقوله سطوح سه‌گانه سبکی و نظم شکل گرفته است که البته در هر مورد تفاوت‌هایی نیز با آرای آموزگاران یونانی و رومیایی خطاب دارد. فصل سوم نشان می‌دهد که اصول بلاغی در جهان اسلام تابعی از اصول فن خطابه است.

همچنین در این فصل به سبک ساده و میانه و والا مطرح شده در رساله لونگینوس می‌پردازد. نوع والا از ترکیب هموار و آراسته واژگان مؤثر سود می‌برد. نوع میانه واژگانی را که نه چندان ولا هستند و نه چندان محاوره‌ای به کار می‌گیرد. نوع ساده حتی تا مرز میان به کارگیری رایج‌ترین اصطلاحات روزمره نیز تنزل می‌یابد. سپس دیدگاه سیسرون را مطرح می‌کند که از دید وی سخنور ایده‌آل کسی است که در هر سه نوع سبک مهارت داشته باشد و بتواند به اقتضای موضوع، سبکی متناسب به کار ببرد و نتیجه می‌گیرد که: اصول سبکی مطرح شده در بلاغت اسلامی تا حد بسیار زیادی با اصول رکن سبک در فن خطابه غرب باستان مشترک است.

در فصل چهارم بیان می‌کند که از میان انواع خطابه اصول نوع منفره (گفتارهای مدحی و ذمی) بیش از دیگر انواع در جهان اسلام نمود داشته است تا آنجا که اغراضی که بلاغیان و فلاسفه مسلمان برای شعر برمی‌شمارند، بیش از هر چیز مشابه اغراض ژانر منافرات است. ژانر

فرهنگ اصطلاحات پزشکی و داروشناسی در ادب فارسی

ساغر سلمانی نژاد مهرآبادی

هیئت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

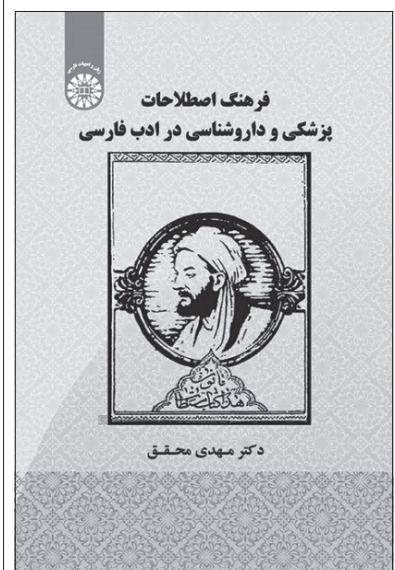
طب از علومی است که به واسطه تحصیل شاعران و نویسندگان ما در قرون گذشته در مدارس علمیه به ادب فارسی راه پیدا کرده و تأثیر بسزایی در دگرگونی ادبیات ما داشته است؛ زیرا در مدارس قدیم علوم عقلی و نقلی همچون کلام، فلسفه، طب، نجوم و... تدریس می‌شده و از آنجا که علم طب مربوط به طبیعیات و محسوسات و تجربیات است، ادیبان ما نیز به راحتی واژگان و اصطلاحات طبی و داروسازی را در نوشته‌های خود اعم از نثر و شعر وارد کرده و از آن بهره‌ها گرفته‌اند. از این رو پیوندی ناگسستنی بین ادبیات فارسی و اصطلاحات طبی در تمام ادوار شعر فارسی قابل مشاهده است. هر چند این پیوند گاه بسیار مفصل و در زمان‌هایی نیز ضعیف‌تر است.

دانشمند ذی فنون، استاد مهدی محقق، پژوهشگر و مدرس رشته‌های علوم اسلامی و زبان و ادب فارسی و عربی است که از سال ۱۳۴۰ و زمانی که در دانشگاه لندن تدریس می‌نموده، در مؤسسه ولکام^۱ و بعد از آن در کتابخانه اسلر^۲ که هر دو ویژه تاریخ پزشکی هستند، با متون علم پزشکی و تاریخ آن آشنا گردیده و با پژوهش در این حوزه تا کنون آثار فراوانی را تألیف، ترجمه یا تصحیح کرده که از آن جمله است: مفتاح الطب و منهج الطلاب (۱۳۶۸)، الشکوک علی جالینوس محمد بن زکریای رازی (۱۳۷۲)، جزایح و ابزارهای آن (۱۳۷۴)، رساله حنین بن اسحاق به علی بن یحیی درباره آثار ترجمه‌شده از جالینوس (۱۳۷۸)، یادگار سیداسماعیل جرجانی (۱۳۸۱)، درآمدی بر دانشنامه تاریخ پزشکی در اسلام و ایران (۱۳۸۹)، مداخل و منابع پزشکی در اسلام و ایران (۱۳۹۳) و ده‌ها مقاله که در مجلات علمی و مجموعه مقالات مختلف منتشر شده است.

اینک استاد مهدی محقق با چاپ کتاب «فرهنگ اصطلاحات پزشکی و داروشناسی در ادب فارسی» تلفیقی از پژوهش‌های خود در طب سنتی و ادبیات فارسی را در اختیار علاقه‌مندان هر دو حوزه قرار داده است تا هم دانشجویان زبان و ادب فارسی در فهم اشعار و جستجوی اصطلاحات طبی در متون ادبی از آن یاری گیرند و هم دانشجویان پزشکی از سرمایه غنی و ارزشمند طبی در فرهنگ اسلامی-ایرانی آگاهی یابند.

این کتاب دربردارنده بیش از ۱۲۰۰ مدخل پزشکی به صورت الفبایی است که در دایره واژگان مربوط به تندرستی و بیماری و درمان قرار دارد و به لحاظ موضوعی به حوزه‌های علم طب و طبیب، ارکان، عناصر، اخلاط، مزاج و قوت، اندام‌ها و برخی حرکات و حالات آنها، تندرستی و بیماری و سبب و عرض آن، نام

فرهنگ اصطلاحات پزشکی و داروشناسی در ادب فارسی؛ دکتر مهدی محقق؛ با همکاری حمیده حجازی؛ تهران: سمت، ۱۳۹۴.



1. Welcome

2. Osler

اشاره ایشان به بیماری‌ها، راه‌های شناخت و درمان بیماری، مراحل تولد و رشد، داروها (کانی و گیاهی و حیوانی) و غذاها، ظروف و مکان نگهداری دارو، امور مرتبط با بیمار و بیماری (مزد دوا، بیمارپرستی، داروخانه، بیمارستان) و باورهای عامیانه درباره بیماری‌ها و درمان آنها قابل تقسیم است.

در این اثر در برابر هر مدخل، توضیحات یا شاهد مثالی درباره آنها از منابع و مأخذ طبّی متعدّدی همچون الابنیه عن حقایق الادویه، الاغراض الطیبیه، بستان‌الاطباء، التصریف لمن عجز عن التالیف، التنبیر، الحواوی، خفی، ذخیره خوارزمشاهی، الرسالة الذهبیه المعروفة بطب الامام الرضاع، صیدنه، کامل الصناعه الطیبیه، مخزن الادویه، مفتاح‌الطب و... استخراج گردیده است. سپس از متون نظم و نثر شواهدی برای کاربرد آن مدخل ذکر شده است. البته برای جلوگیری از تکرار توضیحات، در مداخل مترادف یا مرکب به مدخل اصلی ارجاع داده شده، اما شاهد ادبی آن نیز ذکر شده است.

ابوالفرج رونی، ازرقی، امیرخسرو دهلوی، انوری، اوحدی، بیدل، جامی، حافظ، حزین، خاقانی، خواجه، دقیقی، رودکی، سعدی، سلمان ساوجی، سلیمی جرونی، سنایی، سوزنی، سیدحسن غزنوی، سیف فرغانی، شاه نعمت‌الله ولی، شیخ بهایی، صائب تبریزی، ظهیر فاریابی، عبدالرزاق اصفهانی، عثمان مختاری، عراقی، عسجدی، عطار، عنصری، غالب دهلوی، فتاحی، فخرالدین اسعد گرگانی، فخرالدین مبارک شاه مروودی، فرخی، فردوسی، فرید اصفهانی، فضولی، فلکی شروانی، فیض کاشانی، قانّی، قطران، قوامی رازی، کسائی، کلیم کاشانی، کمال خجندی، کمال‌الدین اسماعیل، مجیر بیلقانی، محتشم، مسعود سعد، معزی، منوچهری، مولوی، ناصر خسرو، نظامی، نظیری، وحشی بافقی، هائف اصفهانی و هلالی جغتایی ادیبانی هستند که آثارشان در این کتاب استفاده شده است.

همچنین در این کتاب شواهدی از متون منثور اسرارالتوحید، انیس الطالبین، بهارستان، تاریخ بیهقی، تذکره الاولیاء، جامع‌الحکمتین، جوامع‌الحکایات، دژه نادره، سندبادنامه، فیه ما فیه، قابوس‌نامه، کیله و دمنه، گلستان، مرزبان‌نامه، مقامات حمیدی، مناجات‌نامه، منشآت خاقانی و... به چشم می‌خورد.

تعاریفی که برای اصطلاحات آورده شده، در برخی از موارد به صورت شرح‌الاسم است و در برخی دیگر از تعریف بالحد^۲ و گاهی تعریف بالزسم^۴ بر پایه متون معتبر پزشکی و داروشناسی استفاده شده است.

اگرچه کتاب «فرهنگ اصطلاحات پزشکی و داروشناسی در ادب فارسی» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده، اما با توجه به آثار استاد محقق و نیز

خدر آن دان که چون دیبب التمل
ضعف و قوت کند به نفس تو حمل
(حدیقه / ۶۹۴).

عشّه گرفت آنچنان خاک که از هول آن
یافت تن آسمان فالج و اختر خدر
(هاتف / ۳۳).

در این اثر متون منثور نیز از نظر مؤلف دور نمانده و بالغ بر پانزده متن که در ادب فارسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. نمونه این کاربرد را می‌توانیم در موارد زیادی بیابیم؛ از جمله در تعریف «دَاءِ تَعْلَب، دَاءِ التَّعْلَب» آورده است: «این بیماری ای بود که موی از سر و افرو و ریش بریزاند تا پوست برهنه گردد از موی؛ و این بیماری از صفرای تیز گشته بود چون آب تلخ که گیا را خشک کند و مثال موی بر پوست چون مثال گیا برزمی بود و گیا که تباه شود یا از کمی آب بود یا از بدی و ناشایستگی آب و این بیماری را «دَاءِ التَّعْلَب» از بهر آن خوانند که روباهان را بسیار افتد این بیماری که موی ایشان بریزد و پوست

3. Definition

4. Description

تندرستی و بهداشت و بیماری مرتبط هستند در این کار آمده است، مثل آب‌آب علوی، عقاقیرخانه (داروخانه)، مزد دوا و... نمونه‌ای از این موارد به این شرح است:

عَقاقیر: «نامی است که بر همه داروها افتد و فرق میان معجون‌ها و گوارش‌ها آن است که معجون هم طلخ بود و هم شیرین و هم گنده و هم خوش؛ و گوارش نبود مگر به مزو خوش بود هر آینه». (تنویر / ۶۳)

از این و آن دوا مطلب چون مسیح هست
زیرا اجل‌گیاست عقاقیر این و آن
(خاقانی / ۳۰۹)

عقاقیر صحرای دل‌هاست این دو
که سازنده‌تر ز این دویایی نیایی
(خاقانی / ۴۱۷)

مپندار که این نیز هلیله‌ست و بلیله است
که این شهره عقاقیر ز فردوس کشیدیم
(کلیات شمس / ۲۲۴)

آن طبیبان را داروها و عقاقیر است از هندوستان و هر جا آورده (تاریخ بیهقی / ۱۵۹).

ره‌نشینان شام و سحر به نام منابتِ خاکش طبله عقاقیر گشوده
(مرزبان نامه / ۴۸۵).

تنوع در عین محدودیت در تعداد شواهد نیز در این اثر مشهود است. مؤلف تلاش کرده برای هر مدخل حداکثر سه شاهد شعری و سه شاهد از متون منثور بیاورد و در این راه تلاش کرده بیشتر اشعاری کمتر شنیده شده، به ویژه از شعرایی کمتر شناخته شده ذکر کند تا بر حافظه شعری مخاطب افزوده شود.

مهم‌ترین ویژگی این کتاب ذکر مداخلی است که معادل فارسی اصطلاحات طبی است یا ترکیباتی است که در زبان فارسی با این اصطلاحات ساخته شده و در کتب مشابه یا در کتب پزشکی کمتر به چشم می‌خورد؛ از قبیل انسان دیده، اندک خور، بسیار خوار، پوشیده چشم، تب‌برده، تب‌گرفته، تفته جگر، جراحت انگیز، چشم حلقه تهی، چشم‌خانه، حسن مداوات، حقه مرهم، خون‌گشادن، داروی شناس، دستکار، دندان خرد، دوزخ، سرسام دی، سنگ کوه سپاهان، شادیمرگ، شربتخانه، طبیب راه‌نشین، طفلك خونخواره، کندزبان، گوارنده و... .

امید است در چاپ‌های بعدی این کتاب استاد محقق یافته‌های خود در متون ادبی دیگر را نیز در اختیار پویندگان راه علم و دانش قرار دهند.

برهنه گردد» (هدایه / ۲۰۵). «به ریختن موی گفته می‌شود و سبب آن رطوبت‌های غریب و کثیف است که در ریشه‌های مو پیدا می‌شود و با تیزی و سوزش خود مانع از رستن موی می‌گردد» (مفتاح / ۲۷۴).

آن‌گاه علاوه بر آوردن شواهد شعری از نثر مرزبان‌نامه نیز چنین شاهی آورده است: «روباه را عُلَّت داء الثعلب رسید. زار و نزار گشت. گوشت و موی ریخته و جان به مویی که نداشت آویخته: كَخِرْقَةِ بَالِيَةِ بَالْتُ عَلِيْهَا الثَّعَالِبُ». (مرزبان‌نامه / ۱۰۳)

همچنین نکته قابل ذکر دیگر این‌که در این کتاب، فقط واژه‌های بسیط مدخل نیامده، بلکه کلمات مرکب، اصطلاحات و تعبیرات نیز به عنوان یک مدخل مستقل واکاوی شده. بدین ترتیب خواننده برای مشاهده این نوع مداخل نیاز به ریشه‌یابی و جستجوی مدخل اصلی ندارد و انواع یک اصطلاح یا ترکیبات یک مدخل را می‌تواند با توجه به ترتیب حروف الفبا به راحتی بیابد. نمونه‌ای از این‌گونه واژه‌ها به این شکل آمده است:

دستکار: جَرَّاح، آن پزشکی که «العمل بالید» یا «العمل بالحديد» را انجام می‌دهد. «زاندرون این طبقه، حمل‌ها است نرم از بهر سه کار: ... سیّم که اندر چشم آید، دستکار به وقت قدح آن آب را اندر زیر آن حمل پنهان کند». (ذخیره / ۴۹)

باد خوارزمی چو سنگین دل پز شک دستکار
دست پر مسبار دارد آستین پزیشتر
(ازرقی / ۲۱)

گل چون طبیب دستکار، آراسته بر جویبار
آید که نرگس را ز تار از دیده بردارد سبل
(فلکی / ۴۱)

دستکاری: جَرَّاحی، العمل بالید. «كَخَالان، آب را که در چشم فرود آید، به دستکاری در آن حَمَل پنهان کنند». (اغراض / ۴۱)

تعداد مداخل یافت شده نیز بسیار قابل توجه است. در این اثر بالغ بر ۱۲۰۰ مدخل همراه با شاهد شعری و ادبی است. آنچه در گردآوری این مداخل، مورد نظر مؤلف گران‌مایه بوده، ارائه مداخلی است که حتماً شاهد ادبی برای آن وجود دارد و از درج دیگر اصطلاحات طبی که شاهد ادبی برای آن نیافته پرهیز شده است. برای مثال استسقا دارای سه نوع است، اما فقط دو نوعی که شاهد ادبی آن یافت شده، در مداخل آمده است و بدین ترتیب از بیان مطالب غیر ضروری و افزودن بر حجم کتاب جلوگیری شده است.

تنوع حوزه‌های بررسی شده نیز از ویژگی‌های این کتاب است. در این کتاب محور فقط بیماری و دارو و درمان نبوده، بلکه چنان‌که پیش از این اشاره شد از خلقت انسان گرفته تا مداخلی که به نوعی به